

مقایسه دو الگوی منظر مقدس در شهر اسلامی و مسیحی

نمونه موردی: حرم امام رضا (ع) در مشهد و کلیسای دومو در میلان*

محمد جواد نطاق**

کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.

فرونوش مخلص

پژوهشگر دکتری معماری منظر لایبراتور نظر، ایران و دانشگاه پاریس ۸، فرانسه.

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۸/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۰

چکیده | با مطالعه تاریخچه تنوع نگرش‌های شهرسازی در جهان، این نکته روشن می‌شود که ادیان و مذاهب، تأثیر بسیاری بر هندسه حاکم بر شهر، توسعه و ریخت شهر داشته‌اند. اثر ادیان در توسعه شهر، ریشه در اهمیت قائل شدن برای اماکن مقدس دارد. همواره ساخت مکان مقدس در یک محدوده، موجب واجد ارزش شدن بافت اطراف خود و تمرکز سایر فعالیت‌های شهری در پیرامون آن می‌شده و رفته‌رفته ساختار شهر شکل می‌گرفته است. نوع نگاه به مکان مقدس در دو دین اسلام و مسیحیت به‌طور کلی متفاوت بوده و این نگرش در منظر مکان مقدس نیز متبلور شده است؛ به‌طوری‌که با قیاس تحلیلی و تاریخی شهرهای اسلامی و مسیحی و بررسی جایگاه مکان مقدس در آنها، می‌توان به تفاوت‌های منظرین مکان مقدس در دو نگرش پی برد. در این پژوهش کیفی، ابتدا دیدگاه نظریه‌پردازان در خصوص ساختار شهر و جایگاه مکان مقدس در شهر اسلامی و مسیحی بررسی شد و سپس مقایسه تطبیقی میان دو نمونه مکان زیارتی صورت گرفت. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهند که هویت منظرین مکان‌های مقدس در شهر اسلامی به‌صورت ارگانیک در پیوند با محله و بافت اطراف خود بوده‌اند. به‌گونه‌ای که در دل فضاهای پیرامونی به‌صورت هم‌پیوند قرار می‌گرفته و موجب اتصال فعالیت‌های متنوع زیارتی و مردمی برای زائران و مجاوران می‌شده است. اما در مسیحیت، مکان مقدس، استقلال معنایی و فرمی دارد و با یک معماری سلطه‌گر که به‌صورت تجسیدی از مسیح شکل گرفته، بدون ارتباط عینی-ذهنی با محله‌های اطراف است. به‌طوری‌که موجب جدایی مکان مقدس و فعالیت‌های وابسته می‌شده است. ریشه این مطلب در بررسی مصداق‌های منظر مکان‌های مقدس در دو شهر اسلامی و مسیحی نمایان می‌شود.

واژگان کلیدی | شهر اسلامی، شهر مسیحی، مکان مقدس، منظر زیارتی، توسعه پیرامونی.

بعضی اجزاء نقش حیاتی در ریخت شهر دارند. در بسیاری از شهرها، مکان‌های مقدس به عنوان یک عنصر منظرین آیینی و هسته کانونی شهر فعالیت می‌کنند که توسعه و فعالیت‌های مردمی در پیرامون این فضاها اتفاق می‌افتد. فعالیت‌های مردمی همچون زیارت و آماده‌سازی زائران برای ورود به مکان قدسی، موجب رونق گرفتن فضاهای پیرامونی مکان‌های مقدس شده است. مقصود از مکان مقدس در شهر اسلامی، اماکن زیارتی، بقاع متبرک و مسجد؛ و در مسیحیت، کلیساها و زیارتگاه‌های قدیسین

مقدمه | در تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف، ساختار شهرها متفاوت بوده و شاکله آنها، همواره متأثر از نیروهای فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی است. شهر، گروهی از فضاهای باز و بسته نیست، بلکه کل وحدت‌داری است که هریک از اجزای آن با نقش معین به تحقق هدف مجموعه خدمت می‌کند (منصوری، ۱۳۸۶). در این کل،

**نویسنده مسئول : mmuhammad.natagh5011532@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۳۵۵۰۱۱۵۳۲

جایگاه مکان مقدس در شهر اسلامی از دیدگاه نظریه پردازان

از دیدگاه «نجم‌الدین بemat»، شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی، که براساس ایده‌آل‌های اسلامی، فرم‌های ارتباطی و عناصر تزئینی خود را در شهر وارد کرده است. اما فراتر از این تعریف، اصل دیگری بر جامعه مسلمانان حاکم است و آن محدودنبودن به زمان و نداشتن جغرافیای خاص است که مفهوم امت اسلامی، آن را تعریف می‌کند. در شهرهای اسلامی فرم به تبع معنا تعریف می‌شود و کالبد، هویت خود را از محتوا می‌گیرد و این متأثر از بنیان‌های نظری هنر و معماری اسلامی است (بemat، ۱۳۹۳، ۱۱). از خصوصیات مهم شهر اسلامی، وحدت زندگی مادی و معنوی است که رابطه جدانشدنی با اقتصاد، سیاست و مذهب دارند (اعتضادی، ۱۳۷۷، ۱۶). «جوزف ارنست رنان^۲» اعتقاد داشت که اسلام از پایه، دینی شهری است. شهر اسلامی قبل از هرچیز یک قلعه ایمن است و از نظر سیاسی و قانون، تابع مقرراتی است که ناشی از شریعت هستند و از این‌رو نقش مذهبی شهر بر اهداف نظامی اقتصادی حکومت‌های مستقر در آن شهر اولویت دارد (لطیفی و صفری چاپک، ۱۳۹۲). مکان مقدس در شهر اسلامی به صورت جزئی از یک کل در ساختار شهر ظاهر می‌شود. گرچه این جزء خود نطفه پیدایش و هسته اولیه آن کل بوده و همواره در تغییرات آن نقش تعیین کننده داشته است (اعتضادی، ۱۳۷۷). «اموس راپاپورت^۳» مذهب را یکی از ارکان اصلی شهرهای اسلامی می‌داند. وی شهرهای اسلامی را به صورت مجموعه‌ای از محلات همگن و یکنواخت تعریف می‌کند که ساکنان آنها به وسیله زبان، مذهب، شغل، خانواده یا سابقه زندگی مشترک، مرز خود را مشخص کرده‌اند. او ساختار محله‌ای شهر اسلامی را این‌طور تصور نموده است: هر محله، یک شهر کوچک با تمام خدمات مثل مسجد، حمام، نانوايي، بازارچه و بازار بوده و عناصر و سازمان‌یافتگی آن مشابه کل شهر است (شیخی، ۱۳۸۲). بخشی از ماهیت چندگانه هویت شهر حاصل ادغام و تأثیر متقابل محتوای شکلی و محتوای ذهنی یکسان فضاها می‌شود. این فضاها از طریق عملکرد و تأثیرات متشابهشان بر ساختار عینی-ذهنی شهر، موجودیت یکپارچه و هویت شهر را تقویت خواهند کرد و برجسته‌شدن ویژگی‌های مشترک اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی جامعه را به دنبال خواهند داشت (ابرقویی فرد، صابونچی و فرزین، ۱۳۹۷).

وحدت، یکپارچگی، برابری و توازن، از بنیان‌های اساسی در ساختار شهر اسلامی است. شهر اسلامی تبلور هم‌پیوندی عناصر شهری و عدم برتری وزنی یک عنصر نسبت به عنصر دیگر است. مکان مقدس نیز اگرچه در توسعه و گسترش شهر

است. «منظر مقدس» یا «Sacred landscape» موضوعی بوده که در بسیاری از پژوهش‌های خارجی بررسی شده است. مصداق منظر مقدس در پاره‌ای از موارد، گزیده‌ای از عناصر طبیعی چون چشمه یا غار در یک کوه است که نمونه‌هایی از آن به عنوان مکان مقدس، در همه ادیان الهی وجود دارد. نوع نگاه به این اماکن، موجب تمایز در ساختار منظرین آن در دو دیدگاه اسلام و مسیحیت شده است. این پژوهش به‌طور کلی کنکاشی جهت بیان تفاوت مؤلفه‌های منظرین مکان‌های مقدس در شهرهای اسلامی و مسیحی است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش کار، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است که در آن ابتدا دیدگاه نظریه‌پردازان پیرامون مکان مقدس در شهرهای اسلامی و غربی؛ و سپس جایگاه مکان مقدس در شهر اسلامی و مسیحی به کمک نقشه‌های تاریخی و منابع نوشتاری برای تعیین شاخص‌های منظرین مکان‌های قدسی بررسی شده است. در راستای تدقیق نظریه مطرح‌شده در این مقاله در خصوص الگوی منظرین اماکن مقدس و جایگاه آنها در شهرهای اسلامی و مسیحی، مقایسه‌ای تطبیقی میان دو مکان مذهبی حرم امام رضا (ع) در مشهد به عنوان نمونه اسلامی و کلیسای دومو^۴ در میلان به عنوان نمونه مسیحی صورت گرفته است. در انتخاب نمونه‌ها، مؤلفه‌هایی همچون قرار گرفتن در مرکز شهر، میزان زائرپذیری و اهمیت این مکان‌ها برای زائران مسلمان و مسیحی مورد توجه بوده است.

سؤال پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال‌هاست که هویت منظرین مکان‌های مقدس در شهر اسلامی و مسیحی چه تفاوت عمده‌ای دارند؟ و اماکن مقدس چگونه بر بافت پیرامونی خود، رفتار و فعالیت‌های زائران و مجاوران، تأثیرگذار هستند؟

فرضیه

به نظر می‌رسد هویت منظرین شهرهای اسلامی و مسیحی، متأثر از تفاوت باورهای مذهبی آنهاست. به‌واسطه تداوم این باورها، الگوی منظرینی در مکان‌یابی اماکن مقدس در بافت شهر و در ذهن شهروندان در سطوح مختلف به وجود آمده که نمود آن به‌طور مشخص در ارتباط مکان مقدس با پیرامون، زائران و فعالیت‌های وابسته به آن، قابل تأمل است.

می‌شد، همه به عنوان بازار اصلی، و سایر خیابان‌ها نقش بازارچه‌ها را بازی می‌کردند (همان، ۱۰۵). البته به‌ندرت کلیسای شهر در برابر میدان بازار وجود داشت. در اکثر شهرهای طراحی‌نشده، فضای تجاری شکلی نامنظم داشته و نشان می‌دهد که نخست، ساختمان‌های پیرامون این میدان، بنابر نیازهای خاص خود بنا شده‌اند. این میدان‌ها در گردهمایی‌های عمومی نیز کاربرد داشته‌اند (همان، ۱۰۷). به عقیده «بنه ولو»^۴، شهرهای بزرگ قرون وسطایی اروپا هرگز دارای یک مرکز واحد نبوده‌اند؛ بلکه در آنها یک مرکز مذهبی شامل کاتدرال و کاخ اسقفی، یک مرکز قدرت مدنی با کاخ شهرداری و یک یا چند مرکز تجاری و تالارهای اتحادیه‌های صنفی دیده می‌شد (بنه ولو، ۱۳۹۴، ۵۷).

شکل‌گیری هویت دولت‌شهرهای قرون وسطی، بر پایه نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به‌گونه‌ای است که دو عامل «تجارت و تولید» و «تسلط دین بر عقل» در چارچوب ساختار کالبدی- فضایی بازار و کلیسا نقش به‌سزایی در آن ایفا کرده و شکل شهر را با افزایش فعالیت‌های اجتماعی و نیاز به امنیت، به طرحی ارگانیک و اندام‌وار تبدیل می‌کند (دباغیان، ۱۳۹۵). پروفیسور هوفر^۵ می‌گوید: «شهر قرون وسطی نتیجه ارتباط میان شش جنبه است: ساخت اقتصادی (صنایع‌دستی، تجارت)، ساخت اجتماعی (صنعت‌گران، بازرگانان، روحانیون، اشراف)، ساخت کالبدی (طرح شهر، ساختمان‌های عمومی، حصارها)، موقعیت قانونی (قانون اساسی، دستگاه‌های حقوقی، محلات)، موقعیت جغرافیایی (اراضی، آبراه‌ها، پل، ایستگاه‌ها، محل‌های بارگیری) و حیات سیاسی» (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۹، ۵۰). کلیساها، یا زیارتگاه‌ها، عامل اصلی شکل‌دهنده و توسعه‌دهنده

نقش حیاتی دارد ولی در کنار عناصر دیگر مانند بازار و محله به‌صورت همگن قرار گرفته است.

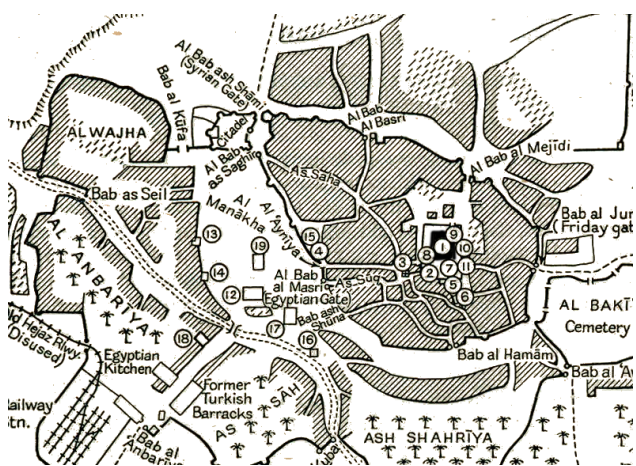
در بررسی نقشه‌های تاریخی بسیاری از شهرهای اسلامی مانند مشهد و مدینه، مکان‌های مقدس مانند زیارتگاه‌ها و مساجد در یک شاکله کلی با بازار، محله و پیرامون خود قرار گرفته‌اند (تساویر ۱ و ۲). منظر قدسی در شهرهای اسلامی به‌خصوص در شهرهای ایران، به‌صورت هم‌پیوند و همگن با کاربری‌های هم‌جوار بوده به‌طوری‌که دو مشخصه همگن بودن در عین مستقل بودن را تداعی می‌کند و نقش حیاتی در شکل‌گیری و توسعه یکپارچه بافت شهری دارند. به‌گونه‌ای که فضاهای مجاور در جوار مکان قدسی، به تبعیت از آن توسعه پیدا می‌کنند و مکان قدسی محل تعاملات اجتماعی-آیینی است.

جایگاه مکان مقدس در شهر مسیحی از دیدگاه نظریه‌پردازان

شهرهای غربی قرون وسطی در تمامی کشورهای اروپایی در بسیار از جزئیات بصری مشابه یکدیگر بودند. عناصر و اجزای اصلی تشکیل‌دهنده شهر قرون وسطایی عبارت است از: کلیسای جامع، بازار، ارگ حکومتی، خیابان‌ها و سایر فضاهای تردد و فضای تجاری که بازار و سایر ساختمان‌های تجاری را در برمی‌گرفت. کلیسا، به‌طور معمول در محلی خاص قرار داشت و دیگر ساختمان‌ها و باغات خصوصی، شهرها را شکل می‌دادند (موریس، ۱۳۹۴، ۱۰۲). تمامی شهرهای قرون وسطایی حداقل شامل یک فضای باز بودند که به عنوان بازار عمل می‌کرد. تجارت و تولید در تمام شهر گسترده بوده و فضاهای باز و بسته، فضاهای عمومی و خصوصی، منشعب از بازار بودند. در نتیجه خیابان‌های اصلی شهر که از دروازه تا مرکز شهر کشیده



تصویر ۲: نقشه حرم مطهر امام رضا (ع) در مرکز شهر مشهد در دوره قاجار سال ۱۲۸۵ هجری شمسی. مأخذ: مدرس رضوی، فیاض، مؤیدی، مولوی و فرخ، ۴۰، ۱۳۸۸.



تصویر ۱: نقشه مسجدالنبی در مرکز شهر مدینه در سال ۱۹۴۶ میلادی. مأخذ: www.mapas.owje.com

جدا از هم هستند» (میرزا کوچک خوشنویس و زرگری، ۱۳۹۶).

تفاوت دو باور اسلامی و مسیحی در عناصر معماری و کالبد شهر تأثیرگذار است. اماکن مقدس به عنوان عنصر اصلی و حیاتی شهر، نشان‌دهنده شاکله منظرین شهرها هستند. با بررسی مکان‌های مقدس و نحوه ارتباط آنها با محیط و زائران، می‌توان مؤلفه‌های منظرین آنها را تدوین کرد. در این راستا، جهت تدقیق فرضیه مقاله در خصوص الگوهای منظرین در مکان‌یابی اماکن مقدس در شهر، دو مکان مقدس حرم مطهر امام رضا (ع) در نمونه اسلامی و کلیسای دومو میلان در نمونه مسیحی به صورت تطبیقی مورد قیاس قرار گرفت.

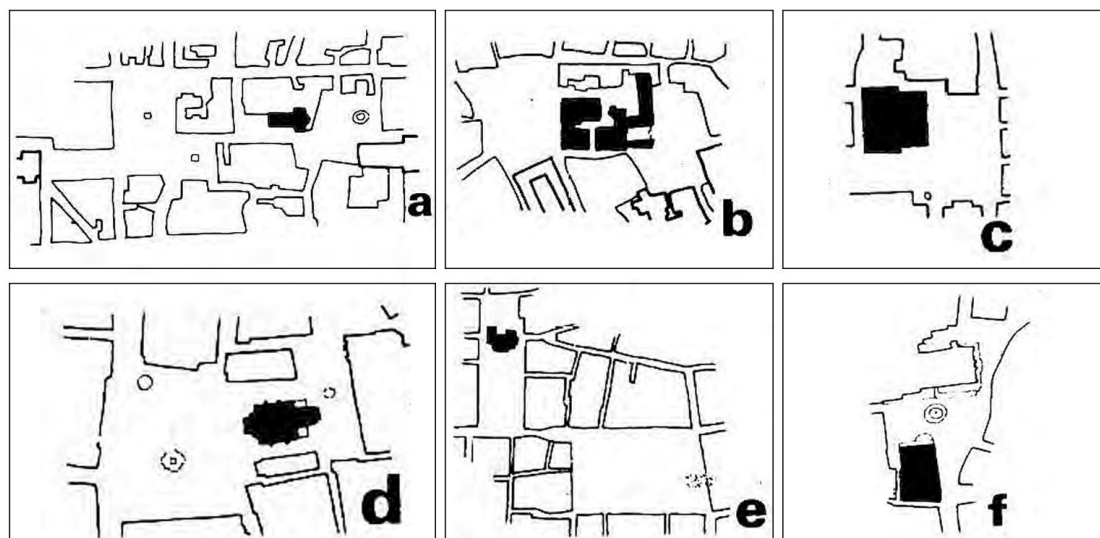
حرم مطهر امام رضا (ع) در مشهد

حرم مطهر امام رضا (ع) در ۶۱۰ ه.ق ساخته شد. در زمان گسترش شهر سناباد در دوره تیموریان به تدریج محله‌های اطراف حرم شکل گرفت و توسعه اصلی بافت پیرامونی در زمان شاه طهماسب در دوره صفوی افتاد و رفته‌رفته مشهد به قطب مذهبی کشور تبدیل شد. اولین تغییر اساسی مورفولوژیکی مشهد در دوره صفوی با ایجاد محور بالاخیابان و پایین‌خیابان صورت گرفت. نهر جاری آب در بالاخیابان که از چشمه گیلاس روستایی در ۴۵ کیلومتری مشهد، به حرم مطهر امام رضا (ع) منتقل شده بود، نمود حضور طبیعت به عنوان نماد پاکی در محدوده حرم بوده است. تا قبل از تحولات سازمان فضایی شهر، بافت محله‌های اطراف حرم مطهر به صورت ارگانیک و همگن شکل گرفته بودند. مکان مقدس جزئی از بافت بوده و گسترش آن برحسب نیاز و ازدیاد

شهرها نیستند؛ بلکه در کنار بازار و اجزای حکومتی نقش خود را ایفا می‌کنند. بررسی نقشه‌های قرون وسطی در بسیاری از شهرهای اروپا نشان می‌دهد کلیساها و اماکن زیارتی به صورت منفصل و جدا افتاده از بافت مجاور خود هستند که با نمونه‌های مشابه در شهر اسلامی متفاوت است (تصویر ۳). مقصود از مرکزیت، صرفاً مرکزیت هندسی در شهر نیست؛ بلکه مرکزیت اجتماعی-آیینی شهر است. در بسیاری از نقشه‌های شهرهای قرون وسطی، جدایی عینی-ذهنی مکان مقدس نسبت به پیرامون به وضوح مشاهده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

در راستای تحلیل قیاسی پیرامون مکان مقدس، «نوربرگ شولتز» برای قیاس میان مسجد و کلیسا این‌گونه می‌گوید: «کلیسا نخستین جایی بود که ورود، رویارویی، بازکشف و روشن‌سازی را یگانه می‌ساخت، آن‌گونه که لحظه‌های کاربرد مکان در وجود معناداری مشارکت می‌یافتند، هرگز چیزی از این دست را نمی‌توان در مسجد یافت. مسجد بنا به ماهیت خود در همه جا هست و از این رو تهی از مقصد است. هدف هر مسجدی کعبه است که خارج از بنای آن در دوردست‌ها واقع شده و بدین ترتیب این ساختمان فرهنگی-اسلامی حتی نمی‌تواند بیانی از حس ورود به یک مکان باشد» (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۱، ۱۳۰). میرزا کوچک خوشنویس نیز در بیان این قیاس، می‌نویسد: «در شهر اسلامی دارالحکومه، مسجد جامع و بازار، ارتباطی ایدئولوژیک در کالبد شهری باهم پیدا می‌کنند، در حالی که ارتباط این سه عنصر شهری در شهرهای مسیحی مستقل و



تصویر ۳: چند نمونه مکان قدسی که در مرکز شهرهای قرون وسطی اروپای مسیحیت قرار گرفته‌اند. مأخذ: موریس، ۱۳۹۴، ۱۰۸.

می‌شود ولی نمی‌تواند به آن برسد. یا حداقل چنین تصویری در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود و این یکی از عوامل انفصال بافت از فضای قدسی آن است (تصویر ۸). در این کلیسا مانند سایر بناهای قدسی مسیحی، به دلیل مذموم پنداشتن طبیعت در جهان‌بینی دین مسیح در دوره قرون وسطی، طبیعت در ساختار کلیسا و محیط اطراف آن جایگاهی نداشته است.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی نقشه شهرهای اسلامی و مسیحی، مهم‌ترین تمایز منظر زیارتی در دو شهر اسلامی و مسیحی، نحوه ارتباط عنصر قدسی با بافت مجاور خود است؛ زیرا تأثیر بسیاری در ادراک زائران، رفتارهای فعالیتی مجاوران و تعیین سلسله‌مراتب آن دارد.

تقدس مکان در شهر اسلامی، در ارتباط با بافت و با ایجاد همبستگی محتوایی و عملکردی است. به تعبیری دیگر، قداست مکان موجب ایجاد فاصله و حریم نسبت به مخاطب نمی‌شود. مخاطب مکان مقدس را جزئی از هویت منظرین محل زیارت و سکونت خود می‌داند و زیارت یک امر منفرد نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از فعالیت‌های معنوی، تجاری و تفریحی است. پیرامون مکان قدسی، مردم فعالیت‌های روزمره شامل خرید و تفریح و گردش نیز همراه با زیارت انجام می‌دهند. در حالی که در شهر مسیحی، مکان مقدس، دارای قداست ماورایی است و به عنوان عنصر غالب در هویت شهر عمل می‌کند. توسعه بافت پیرامونی به صورت منفصل بوده و زیارت غالباً منفرد و به دور از فعالیت‌های حاشیه‌ای مردمی و روزمره صورت می‌گرفته است. علاوه بر آن شکل‌گیری و گسترش شهرها غالباً بر پایه مکان کلیسا نبوده، بلکه مرکز حکومتی، خیابان‌ها و بازار از عناصر غالب و تأثیرگذار در ساختار شهر هستند. جدول ۱ به بررسی قیاسی معیارهای منظر زیارتی مکان مقدس منتج از قیاس نمونه‌ها در دو نگرش مسیحی و اسلامی می‌پردازد.

طبق بررسی قیاسی حرم مطهر امام رضا (ع) و کلیسای دومو میلان، منظر اماکن مقدس در دو دیدگاه مسیحیت و اسلام را می‌توان در دو الگو به تصویر کشید (تصویر ۹).

در پایان باید این نکته را متذکر شد که بافت متصل پیرامونی اماکن مقدس در شهرهای اسلامی، امروزه به دلیل آنچه توسعه خوانده می‌شود، به تدریج در حال از بین رفتن هستند که بررسی آن خود پژوهش دیگری را می‌طلبد.

مجاوران حرم شکل گرفته و در آن نظام سلسله‌مراتب محله، بازار و مکان قدسی هم‌پایوند بوده است. از گذشته دور همواره پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع) فعالیت‌های جاری و روزمره مردم مانند خرید از بازار، شستشوی لباس‌ها در نهر اصلی بالا خیابان و سایر فعالیت‌های تفریحی و تفریحی در کنار زیارت صورت می‌گرفت (تصویر ۴). بازشدن فضای قدسی به محله و عدم سلسله‌مراتب معنایی، از دیگر مشخصه‌های ارتباط حرم مطهر با منظر پیرامونی خود بوده است. به این معنی که حرم متصل به بافت و نسبت به زائران و مجاوران، ارتباط بی‌واسطه‌ای داشته است. حرم، عنصری در کنار سایر عناصر و کانون‌های شهر بوده (تصویر ۵) و هندسه فضای زیارتی آن، مربع‌شکل و توسعه هندسی آن منعطف با نیاز زائران و مجاوران انجام می‌شده است. زیارت در این مکان، به‌مثابه یک بسته فعالیت آیینی، تفریحی و فراغتی بوده و دسترسی زائران و مجاوران نیز برای مشرف‌شدن به مکان مقدس، دسترسی بدون سلسله‌مراتب بوده است.

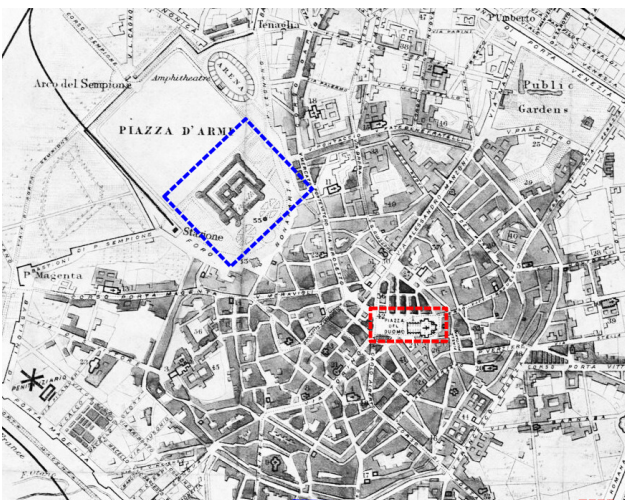
کلیسای دومو در میلان ایتالیا

تاریخچه شکل‌گیری شهر میلان به ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد. نقشه شهر میلان در سده‌های میانه یک حلقه دورانی است که در یکی از نقاط پیرامونی آن مرکز حکومتی قرار گرفته و مطابق نقشه تاریخی، مکان‌یابی کلیسا در نقطه مرکزی شهر انتخاب شده است. کلیسای جامع میلان یا کلیسای «دومو»، یکی از مطرح‌ترین کلیساهای مسیحیت است. در ۱۳۸۶ میلادی، ساخت کلیسا به دستور «ژان گالاس ویسکونتی»^۷ حکمران میلان، آغاز شد. ویسکونتی تمایل داشت شهر میلان، بنای عظیمی به عنوان نماد قدرت در برابر رقبایش داشته باشد. کلیسای دومو در مرکز میلان و در پلازا «دل دومو»^۸ قرار گرفته است (Gentile & Canali, 2018).

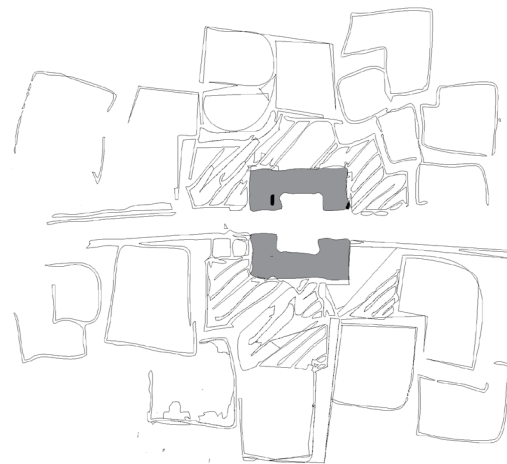
کلیسای دومو در یک هسته منفصل نسبت به بافت مجاور قرار گرفته است (تصویر ۶). معماری آن، حالتی سلطه‌گونه و از نظر ذهنی، مسلط به محله و بافت اطراف است (تصویر ۷). ایجاد قداست ماورایی و آسمانی به مکان مقدس و جدایی از امور زمینی و روزمره، عوامل زمینی را از خود می‌راند و حالتی دوقطبی در فضا ایجاد می‌کند. ایجاد سلسله‌مراتب معنایی و قدسی برای زائران، از دیگر مشخصات منظرین کلیسای دومو است. در این ساختار منظرین، به‌واسطه جدایی ذهنی و مادی امر قدسی نسبت به ماسوای خود، زائر به مقصد نزدیک



تصویر ۴: پیوند عناصر منظرین زیارت (راست) و امور روزمره (چپ) در بافت پیرامونی حرم امام رضا(ع) در سال ۱۲۸۵ ه.ش. مأخذ: مدرس رضوی و همکاران. ۴۰، ۱۳۸۸.

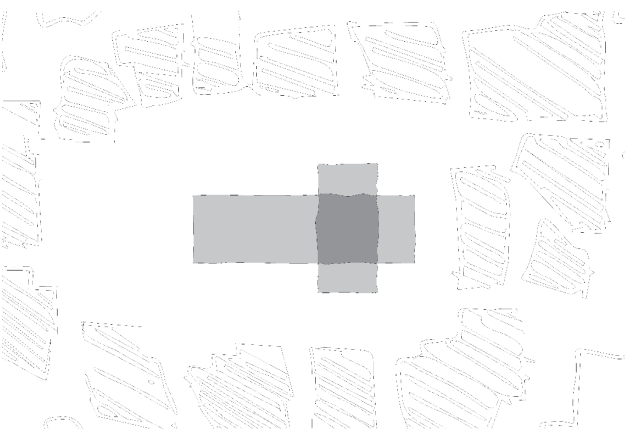


مركز حكومتی کلیسای دومو



تصویر ۶: نقشه شهر میلان در قرن ۱۹ میلادی.
مأخذ: www.antiquemapsandprints.com

تصویر ۵: هم‌پیوندی مکان مقدس و بافت پیرامونی حرم در دوره قاجار.
مأخذ: نگارندگان.



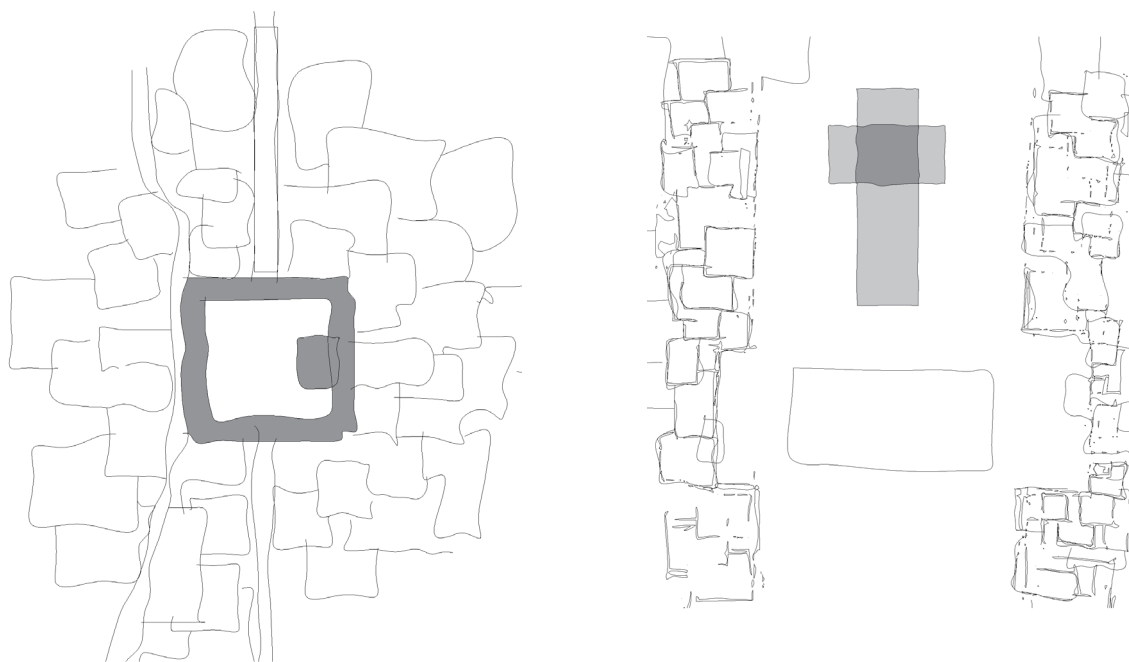
تصویر ۸: بافت پیرامونی کلیسای دومو در قرن ۱۹ میلادی، مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷: کلیسای دومو میلان در سال ۱۸۵۶ میلادی.
مأخذ: www.en.wikipedia.org

جدول ۱: بررسی قیاسی معیارهای منظر زیارتی مکان مقدس منتج از قیاس نمونه‌ها در دو نگرش مسیحی و اسلامی. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	مؤلفه‌ها	حرم مطهر امام رضا (ع)	کلیسای دومو میلان
۱	هویت منظرین مکان مقدس	فضای قدسی در محله حاکم است و بافت پیرامون جزئی از تعریف هویتی منظرین مکان مقدس است.	فضای قدسی بر محله حاکم است و حالتی سلطه‌گونه دارد. عوالم زمینی را از خود می‌راند و حالتی دوقطبی ایجاد می‌کند. فضای قدسی در ذهن مخاطب دارای یک قداست ماورایی است.
۲	مقصدمحور یا مرکز محور بودن مکان مقدس	مکان مقدس بخشی از مسیر است و عنصر مقدس، عنصری در کنار عناصر و کانون‌های دیگر است. در این الگو زائر در مسیر به مقصد می‌رسد.	در این الگو امر قدسی در مرکزیت و فضاها در حال طواف آن هستند. در این الگو به مقصد می‌توان نزدیک شد ولی نمی‌توان به آن رسید.
۳	هندسه مکان مقدس	هندسه فضای زیارتی مربع شکل و توسعه هندسی منعطف و با توجه به نیاز زائران و مجاوران.	هندسه به‌طور غالب صلیب‌شکل و اکثراً بدون توسعه و گسترش پیرامونی.
۴	نحوه گسترش فضاهای پیرامونی	توسعه بافت پیرامونی به‌صورت متصل.	توسعه بافت پیرامونی به‌صورت منفصل.
۵	شکل‌گیری فعالیت‌های مردمی	در پیرامون مکان قدسی مردم فعالیت‌های روزمره شامل خرید و تفریح و گردش را همراه با زیارت انجام می‌دهند.	اعمال زیارت غالباً منفرد و بدون فعالیت‌های حاشیه‌ای مردمی.
۶	نمود طبیعت در منظر سازی	حضور حیاط در مکان مقدس به عنوان فضای تفریحی و عبادی و استفاده از آب و گیاهان به جهت اعتقاد به تنزیه. نمود عناصر سه‌گانه مناظر آیینی ایرانی (آب، درخت، عنصر مقدس در کنار یکدیگر).	حضور عرصه عریض در پیش ورودی مکان مقدس به‌مثابه صحن در اماکن مقدس اسلامی، عدم استفاده از عناصر طبیعی مانند آب و درخت.
۷	سلسله‌مراتب دسترسی	مکان قدسی بدون سلسله‌مراتب معنایی و قرار گرفتن در کنار عناصر دیگر شهر	مکان قدسی دارای سلسله‌مراتب که معنایی خاص را به همراه دارد و خود را از سایر اجزای شهر مجزا می‌کند.



تصویر ۹: تعبیر ترسیمی الگوی منظر اماکن قدسی در شهرهای مسیحی (راست) و شهرهای اسلامی (چپ). مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «محمد جواد نطاق»، با عنوان «طراحی منظر درگاه حرم مطهر رضوی به مثابه یک جلوخان آیینی-اجتماعی» است که به راهنمایی جناب آقای دکتر «سید امیر منصوری»، در بهمن ۱۳۹۷ در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران ارائه شده است.

۱. Duomo di Milano

۲. Joseph Ernest Renan

۳. Amos Rapoport

۴. Leonardo Benevolo

۵. Prof. Paul Hofer

۶. Christian Norberg-Schulz

Jean Galéas Visconti : Gian Galeazzo Visconti (16 October 1351 – 3 September 1402), son of Galeazzo II Visconti and Bianca of Savoy, was the first Duke of Milan (1395)[1] and ruled the late-medieval city just before the dawn of the Renaissance. He was the founding patron of the Certosa di Pavia, completing the Visconti Castle at Pavia begun by his father and furthering work on the Duomo of Milan

Piazza del Duomo, Milan

فهرست منابع

- ابرقویی فرد، حمیده؛ صابونچی، پریچهر و فرزین، احمدعلی. (۱۳۹۷). بازخوانی نقش مناظر آیینی در هویت بخشی به شهرهای ایرانی. *باغ نظر*، ۱۵ (۶۵)، ۵-۱۲. DOI: 10.22034/BAGH.2018.74072
- اعتضادی، لادن. (۱۳۷۷). نقش مسجد در ساختار شهرهای مسلمان‌نشین، صفه، ۸ (۲۶)، ۸-۲۱.
- بemat، نجم‌الدین. (۱۳۹۳). شهر اسلامی. ترجمه: محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بنه ولو، لئوناردو. (۱۳۹۴). تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطا). چاپ پنجم. ترجمه: پروانه موحد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین. (۱۳۸۹). نظریه‌های شهر و پیرامون. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
- دباغیان، فرنوش. (۱۳۹۵). ساختار سکونت و نظام محله در شهرهای قرون وسطی؛ نمونه‌های موردی: شهرهای فلورانس، ونیز، سیه‌نا و لیون. هنر و تمدن شرق: ۴ (۱۴)، ۴۱-۵۴.
- شیخی، محمد. (۱۳۸۲). ساختار محله‌ای شهر در سرزمین‌های اسلامی. *علوم اجتماعی*، ۱۰ (۲۲)، ۶۸-۳۶.
- لطیفی، غلامرضا و صفری چابک، ندا. (۱۳۹۲). بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی-اسلامی بر پایه اصول نوشهر گرایی. *مطالعات شهری*، ۸(۲)، ۳-۱۲.
- مدرس رضوی، محمدتقی؛ فیاض، علی‌اکبر؛ مؤیدی، سید علی؛ مولوی، عبدالحمید و فرخ، محمود. (۱۳۸۸). مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی؛ مشهور به گزارش مکتب شاهپور. مشهد: نشر آهنگ قلم.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۶). دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام با استعانت از شواهد تحولات شهر کرمان. *باغ نظر*، ۴ (۷)، ۶۰-۵۰.
- موریس، جیمز. (۱۳۹۴). تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی. چاپ چهاردهم. ترجمه: راضیه رضازاده، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- میرزا کوچک خوشنویس، احمد و زرگری، عاطفه. (۱۳۹۶). بررسی تفاوت ساختاری عناصر شهری در شهرهای اسلامی و مسیحی (مقایسه تطبیقی بین عناصر معماری شهری در شهرهای سنتی ایرانی و قرون‌وسطای اروپایی). کنفرانس بین‌المللی مطالعات نوین در عمران، معماری و شهرسازی با رویکرد ایران اسلامی، مشهد: دانشگاه صنعتی سجاد.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۹۱). معماری: حضور، زبان و مکان. چاپ سوم. ترجمه: سید علی‌رضا احمدیان، تهران: نشر نیلوفر.
- Gentile, C., & Canali, F. (2018). Continuous Monitoring the Cathedral of Milan: Design, Installation and Preliminary Results. *Multidisciplinary Digital Publishing Institute Proceedings*, 2 (8), 467.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

نطاق، محمدجواد و مخلص، فرنوش. (۱۳۹۸). مقایسه دو الگوی منظر مقدس در شهر اسلامی و مسیحی، نمونه موردی: حرم امام رضا (ع) در مشهد و کلیسای دومو در میلان. *منظر*، ۱۱ (۴۸)، ۱۴-۲۱.

DOI: 10.22034/manzar.2019.170134.1906

URL: http://www.manzar-sj.com/article_91463.html

